



۳۱ مه ۲۰۰۹



گاومیش و «ایستادگی»!

«آورده‌اند که گاومیش حاج میرزا آغاسی همیشه مطلق‌العنان و آزاد بود، از بام تا شام در کوچه و بازار به اختیار می‌گشت، از دور که پیدا می‌شد کسبه به صوت بلند، به صورت رمز به عبارت مخصوص به یکدیگر اعلام می‌کردند که گاومیش

آمد ... به هر دکان می‌رسید اذیتی می‌کرد مخصوصاً به دکان شیرینی فروشی که می‌رسید مقدار کثیری شیرینی می‌خورد، و حلویات را می‌ریخت و طبق آن‌ها را به زمین می‌انداخت. همچنین کوزهٔ ماست بقال و کفۀ برنج و کوزهٔ روغن و تغار پنیر او را می‌شکست، و قدری میوه‌جات او را می‌خورد و می‌رفت. صاحب دکان ایستاده و نگاه حسرت‌آمیز می‌کرد و جرأت آنرا نداشت که گاومیش را دفع کند و حفظ مال نماید[...]. آخر مردم گاومیش صدارت پناهی را کشتند و از شرش رهائی یافتند.»

منبع: امیرکبیر و ایران

برخلاف تبلیغات رسانه‌ای، خامنه‌ای با کروب‌ی، موسوی و گروه تحکیم وحدت همگام و همراه است. در حالیکه دولت احمدی‌نژاد از طریق انفجار، سرکوب و اعدام زمینهٔ آشوب را در زاهدان فراهم می‌آورد، علی‌خامنه‌ای و نمایندگان‌اش نیز همگام با گروه تحکیم وحدت شورش دانشجویی را سازمان می‌دهند. به گفتهٔ کروب‌ی، علیرغم مخالفت کتبی ریاست دانشگاه، نمایندهٔ خامنه‌ای برای حضور وی در پلی‌تکنیک اصرار ورزیده:

«نمایندهٔ ولی‌فقیه این دانشگاه اصرار زیادی برای برگزاری این مراسم داشته است.»

این بخشی است از عربه جوئی و نفس‌کش‌طلبی شیخ کروب‌ی در پلی‌تکنیک تهران که در کیهان، مورخ ۱۰ خردادماه سالجاری هم انتشار یافته. حال می‌باید دید قوهٔ قضائیهٔ جمکران که به فاصلهٔ ۴۸ ساعت از درون زندان سه جوان را به جرم «ارتباط با انفجار» مسجد زاهدان اعدام می‌کند، چرا در برابر قانون‌شکنی کروب‌ی و نمایندهٔ خامنه‌ای در دانشگاه خفقان گرفته؟

در جنگل هرگز انتخابات برگزار نمی‌کنند! با کمی دقت به ماجراهای تأسف‌آور فعالیت‌های انتخاباتی زوج کروب‌ی - موسوی به ابعاد گستردهٔ طرح استعماری «تخریب» و «آشوب‌طلبی» در

ایران پی می‌بریم. موسوی و کروب‌ی دو روی سکهٔ قانون‌شکنی و بی‌مسئولیتی دوران ریاست جمهوری محمدخاتمی‌اند که هدفشان تشویق قانون‌شکنی به منظور ایجاد آشوب در دانشگاه و گسترش آن به سطح جامعه است، چرا که «براندازی» همچنان در دستور کار اربابان حکومت اسلامی قرار دارد. در راستای چنین سیاستی است که میرحسین موسوی از برابر قانون‌شکنان می‌گریزد، بدون اینکه به قانون‌شکنی اعتراض کند، و یا ستاد وی خواهان تعقیب قانونی مهاجمان شود، حال آنکه کروب‌ی مخالفان‌اش را مورد تهاجم قرار می‌دهد و با عربه‌جوئی و لات‌بازی به قانون‌شکنی افتخار می‌کند. کروب‌ی و موسوی هر دو مجری یک سیاست واحداند.

در واقع اردوگاه «فاشیست - مسلمان‌ها» که خود را به غلط اصلاح‌طلب می‌خواند، مجموعهٔ موسوی - کروب‌ی را بجای محمد خاتمی به صحنه آورده. موسوی نقش اسلام‌گرای متین و موقر ایفا می‌کند، حال آنکه کروب‌ی ایفای نقش واقعی خود را برعهده گرفته: لات، آشوب‌طلب، بیش‌رم و یاوه‌گو. ماجرای تهاجم فیزیکی و زبانی به شخص میرحسین موسوی در رسانه‌ها منعکس شده و نیازی به تکرار جزئیات آن نیست. فقط به کسانی که سخن از «انتخابات» به میان می‌آورند یک نکتهٔ مهم را یادآور می‌شویم، و آن اینکه وحوش در جنگل انتخابات برگزار نمی‌کنند! حتی قبائل وحشی هم برای انتخاب رئیس قبیله «مقررات سنتی» خود را محترم می‌شمارند.

در این مرحله، نقایص قانون اساسی حکومت اسلامی را به دست فراموشی می‌سپاریم. فرض محال که محال نیست، فرض می‌کنیم حکومت فعلی ایران یک حکومت «بهنجار» است. حکومتی که می‌خواهد انتخابات ریاست جمهوری برگزار کند. نهادهای قانونی این حکومت هم ۴ نفر را برای احراز مقام ریاست قوهٔ مجریه صاحب صلاحیت شناخته‌اند. قانونا این ۴ نفر باید بتوانند برای فعالیت‌های انتخاباتی خود امنیت داشته باشند. و از سوی دیگر، هر چهار نفر می‌باید خود را موظف

بدانند که قانون و مقررات کشور را رعایت کنند. آیا چنین شرایطی در ایران فراهم است؟ مسلماً خیر! نه در رسانه‌ها، نه در سطح جامعه چنین شرایطی حاکم نیست!

میرحسین موسوی هر جا سخنرانی می‌کند ناسزا می‌شنود و هیچ واکنشی از خود نشان نمی‌دهد. توضیح دهیم که یک نامزد مقام ریاست جمهوری «موظف است» به ناسزاگوئی و برهم زدن مراسم سخنرانی‌اش از طریق قانونی اعتراض کند، چرا که فرد یا افرادی که مرتکب چنین اعمالی می‌شوند آشکارا به نقض قانون پرداخته‌اند. کسی که می‌خواهد در جایگاه ریاست قوه مجریه قرار گیرد، چگونه به خود اجازه می‌دهد که قانون‌شکنی را تشویق کند؟! «سکوت» در برابر قانون شکنی و «گریز» از برابر قانون‌شکنان فقط به معنای «تشویق» قانون شکنی است.

البته ما در مورد شخص موسوی دچار توهم نشده‌ایم، سوابق او و اطرافیان‌اش را نیک می‌شناسیم و می‌دانیم او ۸ سال نخست وزیر جنگ بوده و از تداوم جنگ دفاع کرده تا منافع صاحبان صنایع نظامی در غرب و به ویژه در ایالات متحد تأمین شود. بنابر تعریف، این فرد نمی‌تواند مدافع منافع ملی ایرانیان باشد، و طبیعی است که با قانون و مقررات نیز بیگانه است. چه اگر در ایران قانون و مقرراتی در کار می‌بود امثال کروبی و موسوی می‌بایست در برابر دادگاه پاسخگوی کشتار و چپاول خود باشند. اگر این بحث را بدون ارجاع به افراد پیش می‌بریم به این دلیل است که می‌خواهیم «دامنه تخریب» را در فعالیت‌های نامزدهای انتخاباتی مطرح کنیم. به عبارت دیگر بحث ما «منطقی» و «انسان محور» است، به همین دلیل «رعایت قانون» را توسط ۴ نامزد انتخاباتی ملاک و معیار قرار خواهیم داد.

پس بپردازیم به فعالیت‌های انتخاباتی مهدی کروبی. تقدس پروری و مهمل‌گوئی‌های کروبی را در جنگ زرگری او با کیهان پیشتر بررسی کرده‌ایم. گفتیم که این فرد همانند جانوران وحشی فاقد هر گونه ادراک از «نظم قانونی» است و این روزها هر جا پای می‌گذارد، به «سینه زنی» و «روضه

خوانی» برای زندانی شدن «فرزند شهید» می‌پردازد. گویا هر که پدرش را در جنگ از دست داده «مقدس» به شمار می‌رود و مجاز است هر جرمی مرتکب شود. در هر حال کروبی با انتخاب کرباسچی، عطاالله مهاجرانی و محمدعلی نجفی جهت قبله‌اش را کاملاً مشخص کرده: امارات متحد عربی، مرکز پولشوئی، تجارت زن و کودک و از همه مهم‌تر مرکز فعالیت تروریست‌های اسلام‌گرا که تحت نظارت جنتلمن‌های نزول‌خور لندن اداره می‌شود و هر از گاهی برای گرم کردن بازار حکومت مفلوک جمران در شیپور «سه جزیره» و «خلیج عربی» می‌دمد. باری، شیخ کروبی روز شنبه، هشتم خردادماه سالجاری به دعوت یک تشکل دانشجویی برای سخنرانی انتخاباتی راهی پلی‌تکنیک تهران شد. کیهان، مورخ ۱۰ خردادماه سالجاری و سایت اخبار روز، مورخ ۹ خردادماه گزارش حضور غیرقانونی کروبی را در پلی‌تکنیک منتشر کرده‌اند.

کیهان شماره ۱۹۷۳۴ می‌نویسد، ریاست دانشکده در یک اطلاعیه رسمی موافقت خود را با برگزاری سخنرانی کروبی برای روز چهارشنبه ۱۳ خرداد صادر کرده بود. اما کروبی و همراهان روز شنبه با شکستن در وارد دانشگاه شدند! به گزارش کیهان اطلاعیه دانشگاه کتباً در اختیار ستاد انتخاباتی کروبی قرار گرفته بود:

«با عنایت به اینکه [...] آرامش در آستانه برگزاری امتحانات پایان ترم [ضروری است] هرگونه فعالیت بدون هماهنگی و برنامه ریزی می‌تواند [نظم دانشگاه را برهم زند] بدین وسیله اعلام می‌دارد [...] هیچ برنامه رسمی و قانونی توسط کاندیداهای محترم امروز در دانشگاه برگزار نمی‌گردد.»

این بخشی است از اطلاعیه ریاست دانشگاه که هر کس خواندن و نوشتن را در حد ابتدائی آموخته باشد قادر به درک محتوای آن خواهد بود. البته بجز گروهی که هدفشان ایجاد آشوب در دانشگاه و تکرار آشوب‌های ۱۸ تیر باشد. به عبارت دیگر بجز خامنه‌ای، نهضت‌عاطلادی، حزب توده و مشارکت‌چی‌ها که شیرینی ۸ سال «اصلاحات»، غارت، قتل‌های زنجیره‌ای و آشوب و سرکوب را هنوز زیر دندان دارند و می‌پندارند که

از طریق هی کردن عملۀ تحکیم وحدت و پیروان موسوی در دانشگاه باز هم امکان سازماندهی یک براندازی وجود دارد. هر چند کورخوانده‌اند! چون امروز دیگر مردم ایران فریب هوچی‌های ساواک در دانشگاه را نخواهند خورد. بگذریم!

روز شنبه کروی، کرباسچی و همراهان بی‌اعتنا به اطلاعات ریاست دانشگاه با شکستن در ورودی وارد دانشگاه شده و مورد استقبال فعلۀ فاشیسم قرار می‌گیرند! سپس کروی به پیروی از ماشاالله قصاب و حاج‌منصور سخترانی کرده می‌گوید، برنامه فشرده‌ای دارد، تازه از راه رسیده و فردا باید راهی خراسان شود، اما به دلیل اصرار نماینده‌خامنه‌ای در این مراسم حضور یافته! به این بخش از گزارش کیهان که می‌رسیم، تازه متوجه می‌شویم که نماینده‌خامنه‌ای در هم‌سوئی کامل با فعلۀ فاشیسم در گروه تحکیم وحدت و شرکاء قرار گرفته، حال آنکه اصلاح‌طلبان حکومتی با توسل به واژگون نمائی وانمود می‌کنند که فعلۀ فاشیسم در دانشگاه دشمن علی‌خامنه‌ای‌اند. می‌بینیم که به هیچ‌عنوان چنین نیست، خامنه‌ای و نمایندگان‌اش با «براندازان» در یک جبهه قرار دارند.

همچنانکه گفتیم «خودبراندازی» ویژگی حکومت‌های دست‌نشانده است. چرا که در یک نظام استعماری، براندازی برای سرکوب مطالبات مردم و تأمین منافع استعمار صورت می‌پذیرد و به همین دلیل پیوند مستقیم با شورش و آشوب دارد. ولی در پس پرده این آشوب‌های «مردمی» اهرم‌های سرکوب «نظامی - امنیتی» تقویت می‌شود تا بتواند سرکوب جامعه را با شدت بیشتری اعمال کند. به عبارت دیگر استعمار برای سازمان دادن به براندازی نیازمند «حضور مردم» است، همچنانکه در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ دقیقاً همین صحنه را ایجاد کرد. پس بازگردیم به فعالیت‌های براندازانه‌خامنه‌ای و شیخ کروی.

گر از بسیط زمین عقل منعدم گردد
به خویشتن گمان نبرد کس که نادانم

به گزارش کیهان، کروی پس از ورود غیرقانونی به پلی‌تکنیک، به دانشجویان وعده اصلاحات داده و از آزادی‌خواهی آنان تقدیر

کرده! البته می‌دانیم که آزادی در قاموس فعلۀ فاشیسم همواره در ترادف با قانون‌شکنی و عربده‌جویی قرار می‌گیرد، پس تعجیبی نیست که آخوندکروی دانشجویان تحکیم وحدت را نیز در همین راستا «آزادیخواه» بداند:

«علیرغم اینکه تربیون و جایگاه خاصی برای صحبت‌های ما قرار ندادند اما [...] از ریاست دانشگاه [...] و دانشجویان آزادیخواه دانشگاه امیرکبیر تشکر [...] می‌کنم [...] من برای تغییر قانون اساسی و اصلاحات آمده‌ام [...] اگر بنده رئیس جمهور بشوم حرمت دانشگاه، استادان و دانشجویان را حتماً مورد نظر قرار خواهم داد و فضای آزادی [...] را برقرار می‌کنم.»

مسلم است که «بنده» از «آزادی» جز لات‌بازی و نفس‌کش‌طلبی هیچ نمی‌شناسد، در غیراینصورت منطقاً ابراز «بندگی» نمی‌کرد. با توجه به ورود غیرقانونی کروی به دانشگاه، باید مطمئن باشیم که این سگ‌هار کارخانه رجاله‌پروری حتماً برای دانشگاه و استاد و دانشجو «احترام» فراوان قائل است، در غیراینصورت با شکستن در وارد دانشگاه نمی‌شد. آخوند کروی در توجیه رفتار وحشیانه خود اظهار داشته، مگر دانشگاه پادگان است که رئیس آن بتواند مانع از حضور نامزدهای انتخابات شود؟

بله اینچنین است که به میزان درک آخوند کروی از نظریۀ انتظام امور اجتماعی و برنامه‌های انضباطی آگاه می‌شویم. این شیخ مفلوک می‌پندارد که نظم فقط ویژه پادگان است! و خارج از پادگان فقط طویله وجود دارد که امثال کروی برای لگدپرانی در آن از «آزادی» کامل برخوردارند. کروی در واقع نسخه دوم گاو حاج میرزا آغاسی است که صلاحیت وی از جانب شورای نگهبان برای استقرار در جایگاه ریاست جمهوری چاه جمکران مورد تأیید قرار گرفته. به گزارش کیهان:

«کروبی با تقییح عملکرد ریاست دانشگاه [...] نسبت به عدم صدور مجوز برای حضور وی در پلی‌تکنیک گفت دانشگاه پادگان نیست که رئیس آن مانع حضور کاندیداهای انتخابات در آن شود.»

مهدی کروبی و کرباسچی بدون مجوز قانونی، با شکستن در ورودی به دانشگاه وارد شده، سخنرانی کرده‌اند بدون اینکه مقامات دانشگاه و نیروی انتظامی کوچکترین واکنشی به این قانون شکنی آشکار نشان دهند! و کار به این مختصر ختم نمی‌شود. «خبرنامه امیرکبیر» پس از اجرای این برنامه لات‌بازی و اوباش‌پروری یک بیانیه سرشار از بلاهت تحت عنوان «با ایستادگی همه کار می‌توان کرد» صادر نموده که در سایت «اخبارروز»، مورخ ۹ خردادماه سالجاری انتشار یافته. بیانیه‌ای که در واقع بازتابی است از عمق حماقت و توحش نویسندگان آن.

نادان را به از خامشی نیست و گر این مصلحت بدانستی، نادان نبودی
چون نداری کمال فضل آن به
که زبان در دهان نگه داری
آدمی را زبان فضحیه کند
جوز بی‌مغز را سبکساری

آری! با این نوع «ایستادگی‌ها» تنها کاری که می‌توان کرد تنزل مرتبه انسان به حیوان است. به طرفداران آزادی و اصلاحات، «ویراست» آخوند کروبی، به ویژه به فاطمه حقیقت‌جو که با روسری گل‌منگلی در «بی‌بی‌سی» ظهور کرده تا به قول خودش «از لج احمدی نژاد» در انتخابات شرکت کند و مملکت را بسازد! توصیه می‌کنیم آراء خود را از سوی «گاو حاج میرزا آغاسی» و به نام نامی «گاو حاج میرزا آغاسی» به صندوق‌های مارگیری بریزند! چرا که درک امثال کروبی و طرفدارانش از آزادی و تمدن و فرهنگ فقط در حد همان گاو حاج میرزا آغاسی است.

بله در باب گاوهای کذا هر چه بگوئیم، کم گفته‌ایم! و اگر گاو میش متمدن ۱۵۰ سال پیش چنین مطلق‌العنان بود، امروز این کل حاکمیت ایران است که نقش «گاو میش» ایفا می‌کند. حاکمیت ایران به عنوان یک مجموعه استعماری شامل گورکن‌ها و شبه‌مخالفان‌شان در داخل و خارج مرزها است. در چنین مجموعه استعماری چون نیک بنگریم همه به برکت حمایت استعمار «مطلق‌العنان‌اند». البته در برابر ملت ایران، که مانند همان صاحب دکان، دهه‌هاست که ایستاده و خرابکاری‌های گاو میش را فقط می‌نگرد.

گاو میشی که با جنجال و هیاهو سفارت آمریکا را اشغال می‌کند، تا تحریم اقتصادی و جنگ بر ما ملت تحمیل شود. گاو میشی که ۱۵ ملوان بریتانیایی را به جرم تجاوز به مرزهای ایران «دستگیر» می‌کند، از آن‌ها اعتراف تلویزیونی می‌گیرد، اعترافاتی که همه می‌دانند فاقد هرگونه اعتبار حقوقی است. سپس همین گاو میش به متجاوزان هدیه می‌دهد و آزادشان می‌کند! گاو میشی که ۸ سال سرکوب، کشتار و به ویژه آشوب در دانشگاه را «اصلاحات» می‌خواند، و ... و بالاخره گاو میشی که برای دفاع از «آزادی» در ورودی دانشگاه را می‌شکند تا در سخنرانی خود به حقوق دانشجو و دانشگاه احترام بگذارد.

و اگر گاو میش حاج میرزا آغاسی، فقط گاو میش بود و ادعائی هم نداشت، گاو میش‌های هزاره سوم همه فن حریف و صاحب‌نظراند. روشنفکراند، فیلسوف‌اند یا شاعراند و جامعه‌شناس و ... و به ویژه اهل «اصلاحات»، تأمین «آزادی» و دفاع از «حقوق دانشجو» و «ساختن» میهن‌اند! و اینکار را با چنان ظرافتی انجام می‌دهند که انسان به تمدن گاو حاج میرزا آغاسی واقعاً ایمان می‌آورد! ما به اصلاح‌طلبان و اصولگرایان و اربابان‌شان توصیه می‌کنیم از سرنوشت «گاو میش صدارت‌پناهی» عبرت بگیرند که سرانجام مردمان تکه، تکه‌اش کردند تا از شرش خلاص شوند.